

A comparative analysis of the habitual changes and the impact of positive/negative capitals on the personality of female narrators, based on the novels "My Bird" by Fariba Vafi and "Forbidden Notebook" by Alba Despides, according to Pierre Bourdieu's theory.

Mahtab Hajimohammadi ^۱, Sara Zirak^۲

Abstrac

Pierre Bourdieu's theory of capital types represents various forms of capital and their impact on each other. In Bourdieu's definition, the types of capital include economic, cultural, social, and symbolic capital. This paper, through a comparative analysis of the habits influenced by the personal capital of female narrators in the novels "My Bird" and "Forbidden Notebook," examines the level of influence of different capitals on each other and investigates the change in the narrators' habits. Using a descriptive-analytical approach, it demonstrates how habits affect the creation of positive/negative and constructive/destructive capitals. The most prominent negative habits of female characters in the novels are silence, passivity, isolation, submission, and ensuring the satisfaction of family men without any action or objection towards the perpetuation of women's subordination. The most distinct positive habits are loyalty, motherhood, a sense of responsibility, sacrifice, and kindness. Consequently, the nature of women's habits either remains unchanged, progresses towards the production and reproduction of negative and destructive capitals, or if slight changes are observed in the production and reproduction of positive capitals, they are overshadowed by the narrators' passivity. The comparative research results indicate a common structural position of two women in two different societies, which creates similar experiences, and their repetition forms common traits and habits. These similarities and similar habits in turn structure their positive or negative social actions; meaning they regulate

^۱. Professor of Farsi Language and Literature Department, Islamic Azad University, Faculty of Science and Research, Tehran, Iran. (corresponding author), Email: hajimohammadi^{۲۴۰۱}@gmail.com

^۲. Assistant Professor, Department of Persian, Department of Science and Research, Islamic Azad University, Tehran, Iran. email: sarazirak@gmail.com

guidelines and restrict their agency. In very few social spaces, it removes passivity and limitations. However, ultimately, the manifestation of women's passivity in economic fields, the inefficiency of social spaces (before and after marriage), the use of social capital, and the poverty of economic, cultural, and symbolic capital in female narrators become evident.

Keywords: Capitals, Pierre Bourdieu, Habit Wareh, Women, Wafi, Dess Pedes

Refrence

Books

۱. Bourdieu, Pierre (۲۰۱۸). *Distinction: A Social Critique of the Judgment of Taste*. Translated by Mohsen Chavoshiyan. Fifth Edition. Tehran: Salis.
۲. Bourdieu, Pierre (۲۰۰۵). *Forms of Capital in Social Capital: Trust, Democracy, and Development*. Translated by Afshin Khakbaz and Hassan Pouyan. Edited by Kian Tajbakhsh. First Edition. Tehran: Shiraze.
۳. Bourdieu, Pierre (۲۰۱۷). *Theory of Action*. Translated by Seyed Mortaza Mordiyeha. Fifth Edition. Tehran: Naghsh va Negar.
۴. Bourdieu, Pierre (۲۰۱۲). *Lessons from Pierre Bourdieu's Sociology*. Translated by Jahangir Jahangiri and Hassan Poursafir. Second Edition. Tehran: Ageh.
۵. Beasley, Chris (۲۰۰۶). *An Introduction to Feminist Theory: What is Feminism?* Translated by Mohammad Reza Zamrudi. First Edition. Tehran: Roshangaran va Motale'at-e Zanan Publications.

۶. Palmer, Michael (۲۰۰۶). Freud, Jung, and Religion. Translated by Mohammad Dehganpour and Gholamreza Mohammadi. Tehran: Resh.
۷. Jenkins, Richard (۲۰۰۶). Pierre Bourdieu. Translated by Leila Javafshani and Hassan Chavoshian. First Edition. Tehran: Ney.
۸. Despentès, Virginie (۲۰۱۸). Banned Notebook. Translated by Bahman Farzaneh. Tehran: Badieh Publications.
۹. Champagne, Patrick (۲۰۱۴). Pierre Bourdieu. Translated by Nahid Mo'ayed Hakmat. Second Edition. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.
۱۰. Shore, Christian and Fontaine, Olivier (۲۰۰۶). Bourdieu's Vocabulary. Edited by Jean-Pierre Zarehdar and Morteza Ketabi. First Edition. Tehran: Nashr-e Ney.
۱۱. Friedan, Jane (۲۰۰۲). Feminism. Translated by Firoozeh Mohajer. Tehran: Ashian Publications.
۱۲. Fakouhi, Naser (۲۰۱۹). History of Thought and Anthropological Theories. Twelfth Edition. Tehran: Ney.
۱۳. Grenfell, Michael (۲۰۱۰). Key Concepts of Pierre Bourdieu. Translated by Mohammad Mahdi Labibi. Tehran: Negah-e Afkar.
۱۴. Navabakhsh, Mehrdad (۲۰۱۵). An Introduction to Social Capital: With an Urban Sociology Approach. First Edition. Tehran: Farhang va Tamaddon.
۱۵. Vafi, Roya (۲۰۰۲). My Bird. First Edition. Tehran: Markaz.

۱۶. Mohseni, Manouchehr (۲۰۰۷). *Cultural Sociology of Iran*. Tehran: Institute for Cultural, Artistic and Communication Studies.
۱۷. Paper
۱۸. Ansari, Mansour, & Taherkhani, Fatemeh. (۲۰۱۰). "An Investigation of Pierre Bourdieu's Theory of Language and Symbolic Power." *Journal of Political and International Studies*, Vol. ۱, No. ۳, Summer ۲۰۱۰, pp. ۵۱-۶۵.
۱۹. Anoushiravani, Alireza. (۲۰۱۰). "The Necessity of Comparative Literature in Iran." *Comparative Literature, Special Issue of the Academy of Literature (Comparative Literature)*, No. ۱, Spring ۲۰۱۰.
۲۰. Moghadas Ja'fari, Mohammad Hassan; Yaghoubi, Ali; & Kardoust, Mozghan. (۲۰۰۷). "Bourdieu and the Sociology of Literature." *Literary Studies Journal*, No. ۲, Summer ۲۰۰۷, pp. ۷۷-۹۲.
۲۱. Momtaz, Farideh. (۲۰۰۴). "Introduction to the Concept of Class from Bourdieu's Perspective." *Journal of Humanities Research*, No. ۴۱-۴۲, Spring and Summer ۲۰۰۴, pp. ۱۴۹-۱۶۰.
۲۲. Moniri, Afat Alsadat, & Hosseini, Maryam. (۲۰۱۴). "The Concept of Social Identity in the Works of Natalia Ginzburg and Fariba Vafi." *Studies in Comparative Literature*, Vol. ۸, No. ۳۲, Winter ۲۰۱۴, pp. ۱۲۹-۱۵۲.

۲۳. Yavari, Seyede Fatemeh; Rezaei, Roghayeh; & Ziaei, Hessam. "An Investigation, Analysis, and Comparison of Cultural Capitals of Female Characters in the Stories of Jalal Al-e Ahmad and Simin Daneshvar; Based on Pierre Bourdieu's Theory." *Journal of Comparative Literature*, Vol. ۵, No. ۱۷, Autumn ۲۰۲۱, pp. ۲۸-۴۹.

فصل‌نامه علمی جستارنامه ادبیات تطبیقی

سال هفتم، شماره بیست و ششم، زمستان ۱۴۰۲

بررسی تطبیقی تغییر عادت‌واره‌ها و سرمایه‌های سلبی / ایجابی در شخصیت زنان راوی
(در رمان «پرنده من» از فریبا وفی و «دفترچه ممنوع» از «آلبا دسس پدس» بر اساس نظریه

پی‌یر بوردیو)

مهتاب حاجی محمدی^۱، ساره زیرک^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۶

صص (۱۷۹ - ۲۱۰)

چکیده

نظریه انواع سرمایه پی‌یر بوردیو به شیوه‌های گوناگون، سرمایه‌ها و تأثیر انواع آن بر یکدیگر بازنمایی می‌کند. در تعریف بوردیو انواع سرمایه عبارت است از: «سرمایه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین». این مقاله با نگاهی مقایسه‌ای به عادت‌واره‌های متأثر از سرمایه‌های شخصیت زنان راوی در رمان‌های «پرنده من» و «دفترچه ممنوع» میزان اثرگذاری سرمایه‌ها بر یکدیگر و تغییر عادت‌واره زنان راوی را بررسی می‌کند و با روش توصیفی-تحلیلی نشان می‌دهد عادت‌واره‌ها چه تأثیری بر ایجاد سرمایه‌های مثبت/ ایجابی و منفی/ سلبی دارند. بارزترین عادت‌واره‌های منفی عاملان زن در رمان‌ها؛ سکوت، انفعال، انزوا، تسلیم و تأمین رضایت مردان خانواده بدون کمترین کنش و اعتراض در راستای دیگربودگی زنان راوی است و مشخص‌ترین عادت‌واره‌های مثبت؛ وفاداری، مادرانگی، احساس مسئولیت، ایثار و مهربانی است. در نتیجه، ماهیت عادت‌واره‌های زنان یا تغییر نکرده، یا در جهت تولید و بازتولید منفی و سلبی پیش رفته

۱. مدرس گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده

مسئول) Hajimohammadi2401@gmail.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

sara.zirak@gmail.com

است و یا اگر تغییر اندکی در تولید و بازتولید سرمایه‌های مثبت مشاهده می‌شود، در سایه انفعال رایوان کم رنگ است. نتیجه مقایسه‌ای پژوهش، موقعیت ساختاری مشترک دو زن در دو جامعه متفاوت را نشان می‌دهد که تجربه‌های مشابه و تکرارشونده آن‌ها خصلت و عادت‌واره‌های مشترکی ایجاد می‌کند. این منش‌ها و عادت‌واره‌های شبیه به هم به نوبه خود، به کنش‌های اجتماعی مثبت یا منفی آنان ساختار می‌بخشد؛ یعنی دستورالعمل‌هایی را تنظیم و کنشگری آن‌ها را محدود می‌کند. یا در فضاهای اجتماعی بسیار اندکی، از انفعال و محدودیت خارج می‌سازد. ولی در نهایت آشکارشدن انفعال زنان داستان در میدان‌های اقتصادی، ناکارآمدی فضاهای اجتماعی (قبل و بعد از ازدواج)، در به کارگیری سرمایه‌های اجتماعی و فقر سرمایه اقتصادی، فرهنگی و نمادین را در زنان راوی برملا می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: سرمایه‌ها، پی‌یربوردیو، عادت‌واره، زنان، وفی، دس‌س‌پدس

۱- مقدمه

«پی‌یر بوردیو» (Pier Bourdieu) فرانسوی (زاده ۱ اوت ۱۹۳۰ - درگذشته ۲۳ ژانویه ۲۰۰۲)، جامعه‌شناس و مردم‌شناس سرشناس فرانسوی بود که عمدتاً به مسائلی نظیر سازوکارهای قدرت و انواع شیوه‌های انتقال قدرت در جامعه در درون و بین نسل‌های مختلف می‌پرداخت. او برخلاف سنت ایدئالیست اروپای غربی بر واقعیت جسمانی زندگی اجتماعی و نقش عمل در سازوکارهای جامعه تأکید داشت. او تحت تأثیر گرامشی، هایدگر، مرلوپونتی، ویتگنشتاین، هوسرل، مارکس، وبر، دورکیم، کلود لوی-استروس و پانوفسکی نظریه شکل‌های فرهنگی، اجتماعی و نمادین سرمایه را در برابر شکل‌های اقتصادی سرمایه مطرح کرد.

«پی‌یر بوردیو» «سرمایه» (Capital) را به چهار دسته، «اقتصادی» (Economic Capital)، فرهنگی، (Cultural Capital)، اجتماعی (Social Capital) و نمادین (Cymbol Capital) تقسیم می‌کند. در اندیشه بوردیو «عادت‌واره» (Habitus) در کنار واژه «سرمایه» از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این پژوهش مقایسه‌ای، رمان‌های دو کشور مختلف را برگزیده‌ایم. از آنجا که «مقایسه‌ای که از تفاوت متون ادبی در فرهنگ‌های مختلف فراتر برود ما را از طریق آشنایی با مضامین مشترک ادبیات بیش از پیش از مشابهت‌های انسانی مان آگاه می‌کند.» (انوشیروانی، ۱۳۸۹: ۱۲) لذا در این مقاله با بازنگری رمان «پرنده من» از «فریبا وفی» و رمان

«دقت‌رچه ممنوع» از «آلبادسس پدس» نویسنده ایتالیایی به شخصیت راویان زن بر پایه نظریه سرمایه بوردیو و با تاکید بر دو کلید واره سرمایه و عادت واره می‌پردازیم.

۱-۱- بیان مسئله

سؤال این است که سرمایه‌ها در شخصیت دو راوی از دو کشور مختلف، چگونه تولید و بازتولید سلبی و ایجابی می‌شوند و چه تأثیر مستقیمی بر ایجاد عادت‌واره‌های دو دوره پیش و پس از ازدواج دارند؟ سرمایه‌ها و عادت‌واره‌های راویان زن در ارتباط با همسر، خانواده و جامعه چه کارکردی دارند و دو زن از دو جامعه ایران و ایتالیا با بهره‌گیری از عادت‌واره‌های خود چگونه در خانه و جامعه ظاهر می‌شوند و چه تفاوت و شباهت‌هایی در چگونگی عملکرد آن‌ها در میدان‌های اجتماعی و بروز عادت‌واره‌های آن‌ها وجود دارد؟

۱-۲- اهمیت و ضرورت پژوهش

مقایسه جامعه‌شناختی آثار دو نویسنده، در دو جامعه متفاوت با سطوح و میدان‌های کنش‌گر متفاوت، کردارهای خاص و نیز قواعد و رسومی که به لحاظ اجتماعی دارای زبان، قواعد رفتار و ادب و حتی رفتارهای جسمانی متفاوتی هستند، به ویژه در مقوله پردازش به شخصیت اجتماعی «زن» دارای اهمیت است. این پژوهش با تحلیل مقایسه‌ای سرمایه‌های شخصیت زن در دو جامعه متفاوت میزان سرمایه و عادت‌واره‌ها را با مطالعات بینارشته‌ای تبیین می‌کند.

۱-۳- پیشینه پژوهش

این مقاله مبنی بر نگرش‌های قیاسی است. لذا پژوهش‌هایی موجود در مورد این دو رمان به صورت نمونه‌ای بررسی می‌شود.

- آرش مشفق و زهرا دوستی در مقاله «بررسی جامعه‌شناختی رمان «پرنده من» اثر وفی، بر اساس «نظریه عمل» پی‌یر بوردیو»، (۱۳۹۶) افراد کنش‌گر در رمان را، قربانی ویژگی میدان‌هایی می‌دانند که در طول زندگی خود بدان‌ها تعلق داشته‌اند.

- در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «نقد و بررسی رمان‌های وفی با تکیه بر پرندۀ من، ترلان، رؤیای تبت، رازی در کوچه‌ها، ماه کامل می‌شود» سمیرا تیموری، (۱۳۹۱)، در نقد و بررسی غیرتطبیقی آثار وفی عناصر داستان و نیز محتوای رمان‌ها را با رویکرد نقد زن‌مدارانه بررسی می‌کند.

- مژده سالارنیا، در مقاله «بررسی تأثیر سرمایه‌های زنان بر نقش سلطه در رمان رؤیای تبت بر اساس «نظریه کنش» بوردیو، (۱۳۹۲)، نشان می‌دهد؛ سه شخصیت زن داستان با وجود زندگی در میدان‌های سرمایه‌های مختلف و تلاش بسیار، به بخش مسلط میدان‌ها وارد می‌شوند؛ اما به سبب نداشتن توازن سرمایه‌ها در طول زمان همواره موفق نمی‌شوند.

- صدف گلمرادی، در مقاله‌ای با عنوان «نقد جامعه‌شناختی سرمایه‌های اجتماعی فرهنگی زنان در رمان دل فولاد اثر منیرو روانی‌پور براساس نظریه انواع سرمایه پی‌یر بوردیو» (۱۳۹۴)، در بررسی انواع سرمایه، به سرمایه اقتصادی و تحلیل طبقه فقیر جامعه می‌پردازد.

- در مقاله «بررسی رمان پرندۀ من از فریبا وفی از منظر سبک شناسی انتقادی» (۱۳۹۳)، مهری تلخابی به این نتیجه می‌رسد که با بررسی لایه‌های رمان، گفتمان مسلط و ایدئولوژی حاکم بر رمان راحت‌تر در دسترس قرار می‌گیرد و می‌توان به عمق یک اثر و اندیشه‌های نویسنده دست یافت.

- در رمان «دفترچه ممنوع» با محوریت سرمایه‌ها و عادت‌واره‌ها کار تحقیقی انجام نشده است. با توجه به آمار به دست آمده، حیطة کار پژوهش‌های قبلی با مقاله حاضر، متفاوت است و این پژوهش با نگاهی بر ارتباط بین سرمایه‌ها و عادت‌واره شخصیت زنان راوی، تحقیق جدیدی است که می‌تواند مبین دلیل انتخاب آثار این دو نویسنده در دو جامعه متفاوت باشد.

۱-۴- روش پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌مندی از نظریه جامعه‌شناسانه پی‌یر بوردیو درصدد این است نشان دهد عادت‌واره‌ها چه تأثیری بر ایجاد سرمایه‌های مثبت/ایجابی و منفی/سلبی دارد.

۱-۵-۱- مبانی نظری

آنچه بوردیو به‌عنوان یک جامعه‌شناس در خصوص «زبان» و «کاربرد زبان» می‌گوید غالباً در قالب چارچوب نظریه انتزاعی و کلی او می‌گنجد که بر محوریت دو مفهوم «خصلت» و «میدان» (Field) و با میانجی‌گری مفهوم «عامل اجتماعی» سامان می‌یابد. بوردیو به‌عنوان یک جامعه‌شناس سرمایه را منبع قدرت می‌داند و از نظر وی «روابط زبان‌شناسی همیشه روابط قدرت هستند» (جنکینز، ۱۳۸۵: ۲۳۳). در آثار و نظریات بوردیو واژه «سرمایه» در کنار چند کلیدواژه مهم مانند «عادت‌واره»، «کنش» و «منش» یک مفهوم بسیار مهم، پیچیده و کلیدی است.

۱-۵-۱- سرمایه‌ها و عادت‌واره از دیدگاه بوردیو

۱-۵-۱-۱ سرمایه اقتصادی

سرمایه اقتصادی منابعی است که به آسانی به پول تبدیل می‌شوند و «از عوامل گوناگون تولید (املاک، کارخانجات، کار) و مجموعه دارایی‌های اقتصادی، درآمد، میراث، کالاهای مادی تشکیل شده است (بون‌ویتز، ۱۳۹۱: ۶۸)؛ از دیدگاه بوردیو سرمایه اقتصادی «بی‌درنگ قابل تبدیل به پول است و ممکن است به شکل حقوق مالکیت دربیاید و حتی ماترک وارثان باشد» (بوردیو، ۱۳۸۴: ۱۳۶). سرمایه اقتصادی یا اکتسابی است و با شغل و درآمد به دست می‌آید یا موروثی است و با خاستگاه افراد مرتبط است. در نتیجه، شغل یکی از راه‌های تولید و بازتولید و حفظ اقتدار در میدان سرمایه اقتصادی است.

۱-۵-۱-۲ سرمایه فرهنگی

بوردیو اصطلاح سرمایه فرهنگی را برای اشاره به اطلاعات یا دانش دربارهٔ باورها و سنت‌های فرهنگی و معیارهای رفتاری خاصی که موفقیت و کامیابی در زندگی را ارتقا می‌دهند، به کار می‌برد. «سرمایه فرهنگی، یعنی قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد و آن دربرگیرنده تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی شدن در فرد انباشته

می‌شوند» (فکوهی، ۱۳۹۸: ۳۰۰). پرورش خانوادگی، آموزش رسمی و فرهنگ شغلی سه منبع سرمایه فرهنگی هستند. این سرمایه با مجموعه‌ای از داشته‌های فکری منطبق است، که توسط نظام آموزشی تولید می‌شوند یا از طریق خانواده انتقال می‌یابند. این سرمایه می‌تواند به سه شکل وجود داشته باشد: سرمایه متجسد، سرمایه عینیت‌یافته و سرمایه نهادینه‌شده. در تعریف دیگر سرمایه فرهنگی همه دارایی‌های معنوی است و دارندگانش از دیدگاه معنوی و نمادین از دیگران متمایز می‌شوند.

۱-۵-۱-۲-۱ سرمایه متجسد یا متجسم

سرمایه متجسد جز از راه آموزش مستقیم قابل واگذاری به غیر نیست. مانند: حافظه، مهارت‌های تجربی و رفتاری. این سرمایه «در دیدگاه بوردیو جایگاه خاصی دارد، این همان سرمایه‌ای است که عادت‌واره فرد را می‌سازد و بوردیو به سرمایه فرهنگی خاصی اشاره می‌کند که در جسم فرد وجود دارد و عملکرد خود را تحت عنوان ذائقه نشان می‌دهد» (گرنفل، ۱۳۸۹: ۳۳۶). در واقع ذائقه به ترجیحات ما برمی‌گردد. یعنی «ذائقه ما واقعاً شخصی نیست بلکه به صورتی عمیق توسط طبقه اجتماعی که در آن زندگی می‌کنیم تحت تأثیر قرار می‌گیرد. ذائقه ما همان سرمایه فرهنگی است که در درون بدن ما جا گرفته است و در این میان آن ذائقه ویژه‌ای را به نمایش می‌گذاریم و به آن مشروعیت می‌بخشیم که طبقه ما بر آن مهر تأیید می‌زند» (همان‌جا). اما خاستگاه و محل شکل‌گیری این سرمایه در خانواده است.

۱-۵-۱-۲-۲ سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته

سرمایه فرهنگی عینی، عبارت است از مجموعه‌ای از کالاهای فرهنگی، مانند آثار ادبی، ماشین‌ها، گزارش‌های علمی، تصاویر، کامپیوتر و ... این سرمایه‌ها قابل انتقال هستند. به بیان دیگر، «سرمایه می‌تواند عینیت یابد، یعنی به صورت مادی و در قالب آثار هنری، نمایشگاه، موزه،

آزمایشگاه، ابزار علمی، کتاب و انواع گوناگون دست‌ساخته‌ها عرضه شود» (گرنفل، ۱۳۸۹: ۱۷۴). محل شکل‌گیری آن در اجتماع و در بین گروه است.

۱-۵-۱-۲-۳ سرمایه فرهنگی نهاده شده

سرمایه فرهنگی می‌تواند به حالت «نهاده شده، در جامعه به صورت عناوین، مدارک تحصیلی، موفقیت در مسابقات ورودی و غیره که به استعدادات فرد عینیت می‌بخشد» (شویره و فونتن، ۱۳۸۵: ۹۷) بروز کند. به بیان دیگر، «سرمایه فرهنگی نهاده شده، به مدارک تحصیلی یا مدارک مهارتی مربوط می‌شود که نشان دهنده میزان اطلاعات یا مهارت فرد در یک زمینه است» (گرنفل، ۱۳۸۹: ۳۳۶) که «از طریق مدارک رسمی و یا تحصیلی توجیه می‌شود. مانند دیپلم دبیرستان و یا امتیاز کشف و اختراع» (محسنی، ۱۳۸۶: ۳۰۰). به تعبیر دیگر، «سرمایه فرهنگی داشتنی است که بودن شده است، ملکی است درونی شده و جزء لاینفک است» (شخص) گردیده، خصلت او شده است» (شویره و فونتن، ۱۳۸۵: ۹۸). بورديو می‌افزاید که سرمایه اقتصادی می‌تواند برای صاحب خود سرمایه فرهنگی ایجاد کند. «سرمایه فرهنگی به نحوی به سرمایه اقتصادی گره خورده و به شکل دیگر آن درآمد است» (همان‌جا). سرمایه اقتصادی بر کسب این سرمایه تأثیر چشمگیری دارد..

۱-۵-۱-۳ سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی «مجموعه ابزارهای نمادین، پرستیژ، احترام و قابلیت‌های فردی در رفتارها (کلام و کالبد) که فرد در اختیار دارد» (فکوهی، ۱۳۹۸: ۳۰۰). روابط عمومی خوب، ارتباطات گسترده، اجتماعی بودن فرد از جمله سرمایه‌های اجتماعی است. «بورديو بر این باور است که حجم سرمایه اجتماعی مورد تملک هر فرد به اندازه شبکه‌هایی که او با آن‌ها پیوند دارد و نیز به میزان سرمایه اقتصادی، فرهنگی و نمادینی بستگی دارد که اعضای مرتبط با او دارند» (بورديو، ۱۳۸۴: ۱۴۸). به تعریف دیگر؛ سرمایه اجتماعی «یعنی روابط و پیوندهای اجتماعی، افتخار و احترام» (بورديو، ۱۳۹۷ الف: ۱۷۷). این سرمایه از راه دسترسی افراد و عاملان در میدان به شبکه‌های مختلف خانوادگی، دوستی، مدنی و مواردی از این دست به هدف کسب منافع و بازتولید انواع سرمایه حاصل می‌شود. همچنین «به معنای به دست آوردن موقعیت‌های اجتماعی و برخورداری از شبکه‌های کم و بیش گسترده‌ای از روابط، دوستان و آشنایان است که فرد در مواقع

ضروری می‌تواند به نفع خود از آن‌ها استفاده کند» (ممتاز، ۱۳۸: ۱۵۱). خانواده در زایش سرمایه و بازتولید و تولید اجتماعی آن بسیار مؤثر است. می‌توان از دیدگاه بوردیو سرمایه اجتماعی را به دو عنصر تفکیک کرد؛ روابط اجتماعی و کمیّت و کیفیت آن.

۱-۵-۴ سرمایه نمادین

سرمایه نمادین یعنی هر جایگاه و دارایی که دیگران آن را به‌عنوان ویژگی متفاوت و برجسته به رسمیت بشناسند. مدال‌ها، نشان‌ها، تقدیرنامه‌ها و هر یک از سرمایه‌های پیشین در صورت تبدیل یا بازتولید می‌تواند موجب احترام و تمایز فرد شود و سرمایه نمادین به شمار آید. در میدان اجتماعی بخشی از سرمایه نمادین ابعاد معنوی است و باید آن را «اثرات نمادین» اشکال گوناگون سرمایه بنامیم. (شویره و فونتن، ۱۳۸۵: ۹۹-۱۰۰) نشانه «سرمایه نمادین»، اعتبار است، مثلاً در شهرت، نیکنامی یا بزرگی. «درواقع این سرمایه جز در یا با احترام و بازشناسی و باور و اعتبار و اعتماد دیگران وجود خارجی پیدا نمی‌کند و تا زمانی که باور دیگران به‌عینه آن را همراه نداشته باشد، نخواهد توانست دوام یابد» (همان: ۱۰۲). بنابراین، این‌گونه سرمایه‌ها در شخصیت، عادت‌واره و طبقه اجتماعی افراد یک جامعه مؤثر است و حتّی نوع نگرش و فرهنگ آن‌ها را نیز تشکیل می‌دهد.

۱-۵-۵ عادت‌واره

عادت‌واره را از نظر بوردیو می‌توان «نظامی از خصلت‌های پایداری که فرد در جریان فرآیند جامعه‌پذیری به‌دست آورده» (بون‌ویتز، ۱۳۹۱: ۹۱) دانست. مترجمان آثار بوردیو و نظریه‌پردازان درباره آرای او، مفهوم عادت‌واره را گاه به «شخصیت» (همان: ۹۲)؛ و گاه به معنی «منش» (مقدّس‌جعفری، ۱۳۸۶: ۸۰) ترجمه کرده‌اند و از آنجا که مطابق با نظریات بوردیو همواره خصلتِ دیالکتیکی دارد، از این رو عادت‌واره هم مبین رفتار فردی است؛ و هم مبین شکلی از زندگی و نوع رفتار یا جو اجتماعی که در هیأت مجموعه‌ای از رسوم و نهادهای جمعی عینیت یافته است. این تعریف قرابت بسیاری با تعریف «نوبرت الیاس» دارد که می‌گوید: «عادت‌واره، نظامی از گرایش‌ها و تمایلات پایدار مستمر و قابل انتقال است و به آن دسته از تمایلات، آمادگی‌ها،

ظرفیت ادراک، احساس، اعمال و اندیشه‌های فرد اشاره دارد که هرچند اجتماعی است؛ اما طبیعی می‌نماید و در وجود او تثبیت شده است» (انصاری و طاهرخانی، ۱۳۸۹: ۶۳).

«بون ویتز» معتقد است، «عادت‌واره، مبنای چیزی است که در معنای متداول، شخصیت فرد نامیده می‌شود. ما احساس می‌کنیم که با این خصلت‌ها، با این نوع حساسیت‌ها، با این شیوه کنش و واکنش آداب و سبک متولد شدیم. در واقع دوست داشتن .. فیلم‌های رزمی به جای فیلم‌های سیاسی، رأی دادن به جناح راست به جای چپ، محصول عادت‌واره است» (بون ویتز، ۱۳۹۱: ۹۲). بوردیو معتقد است که عادت‌واره محصول موقعیت و سیر اجتماعی افراد است. ... در میان تمام کنش‌ها و رفتارهای تربیتی، آن کنش‌هایی که مربوط به دوران کودکی‌اند، بیش از همه دوره‌ها، نقش تعیین‌کنندگی دارند. بنابراین، گروه خانوادگی نقش بسیار مهمی در جامعه‌پذیری اولیه دارد. به نظر بوردیو «عادت‌واره‌ها بر اساس تجربیات نوین، پیوسته تغییرپذیرند.» (شامپاین، ۱۳۹۳: ۱۸) و منش‌هایی به شمار می‌روند که ساختارهای بیرونی را در افراد درونی می‌کنند و فرد با نهادینه کردن آن در رفتار خود، ساختارها را به شکلی دیگر خلق می‌کند، به بیان دیگر، آن را بازتولید می‌نماید. (رک: فکوهی، ۱۳۸۴: ۲۹۹).

بر اساس نظریه بوردیو آن چه فرد به عنوان انتخاب شخصی می‌پندارد، در عمل چیزی جز نتیجه درونی‌سازی قواعدی که گروه تعلق‌اش به او تحمیل کرده است، نیست؛ که بوردیو این فرآیند «درونی‌سازی» را «عادت‌واره» می‌نامد؛ یعنی عادتی که ذاتی نیست بلکه به واسطه محیط اجتماعی شکل می‌گیرد. به زبان ساده‌تر، ذائقه مصرف‌کننده، در هر زمینه‌ای، چه مصرف موسیقی، نمایش، کتاب، غذا و غیره صرفاً یک انتخاب شخصی نیست، بلکه «موقعیت اجتماعی» او نیز در نوع و شکل مصرف نقش دارند. بنابراین، «عادت‌واره» در اثر قرار گرفتن در موقعیت‌ها یا «میدان» همزمان هم تولید و هم بازتولید می‌شود.

بوردیو اعتقاد دارد افراد موقعیت ساختاری یا طبقاتی مشترک و تجربه‌های مشابه و تکرارشونده‌ای دارند که برایشان منش مشترکی ایجاد می‌کند، و این منش به نوبه خود، به کنش‌های اجتماعی آنان ساختار می‌بخشد؛ یعنی دستورالعمل‌هایی را تنظیم و اعمال کنشگران را محدود می‌کند؛ اما در عین حال، اجازه نوآوری فردی را هم می‌دهد.

با توجه به توضیحات نظری، در پژوهش حاضر برآنیم شخصیت زنان راوی را در مواجهه با شرایط موجود، در دو رمان منتخب از نظر جامعه‌شناسی و بررسی سرمایه‌ها و هم‌چنین عادت‌واره‌های کسب کرده‌اشان بررسی کنیم؛ که تا چه حد از سرمایه‌های چهارگانه بوردیو در جهت بازتولید استفاده می‌کنند؟ و در مواجهه با قدرت مردان، سلطه و سرمایه‌های آنان و نیز قدرت جامعه چه واکنش‌هایی از طرف آن‌ها صورت می‌گیرد؟

۱-۶-۱ رمان‌ها

۱-۶-۱ معرفی «پرنده من»

رمان «پرنده من» اولین رمان «فریبا وفی» است و در سال ۱۳۸۱ منتشر شده است. حوادث رمان در یک خانه کوچک پنجاه متری در محله‌ای شلوغ و فقیرنشین رقم می‌خورد. راوی داستان زن بی‌نام و خانه‌داری است که همراه همسرش امیر و دو فرزندشان بعد از سال‌ها مستأجری با خرید آپارتمان کوچکی در محله‌ای شلوغ و فقیرنشین، به آنجا نقل مکان می‌کنند. امیر برای رفتن به کانادا می‌کوشد. در نبود امیر، راوی مسئول‌ترین فرد برای نگهداری از دو کودکش است. پدر راوی، آقاجان بارها زنی به نام ویتامین را به خانه می‌آورد، با ورود ویتامین مادر راوی به زیرزمین پناه می‌برد و در نظافت افراطی و وسواس‌گونه منزل می‌کوشد. بالأخره آقاجان به طرز فلاکت باری فوت می‌کند. مهین، زن راوی و شهلا سه دختر این خانواده هستند که پسر ندارد و آقاجان، مادر را به خاطر این موضوع سرزنش می‌کند. وسواس مادر به شهلا که یزرگترین دختر و مجرد است، سرایت می‌کند. خاله محبوب که شخصیت تاثیرگذار دیگری است و صاحب فرزند نمی‌شود، گاهی اوقات راوی را از خواهرش قرض می‌گیرد. عمو غدیر همسر خاله، در دوران کودکی، با چشمک‌ها و رفتارهای زنده‌اش، راوی را آزار می‌دهد. راوی از غدیر، تاریکی، سایه‌ها، خاله و حتی مامان می‌ترسد و از همان کودکی به سکوت پناه می‌برد. مهین به کانادا مهاجرت می‌کند. در نهایت راوی در پاسخ به فروش آپارتمان توسط امیر، خانه را ترک می‌کند.

۱-۶-۲- معرفی «دفترچه ممنوع»

آلبا دسس پدس در (۱۱ مارس ۱۹۱۱) متولد شد و تا (۱۴ نوامبر ۱۹۹۷) در رم ایتالیا زیست. رمان «دفترچه ممنوع» یکی از آثار دسس دس، زنی را به تصویر می کشد که در جست و جوی گوشه ای آرام است، داستان با خرید دفترچه ای برای یادداشت های محرمانه زنی کارمند و سنتی به نام والریا آغاز می شود. در زندگی مشترک والریا و میشل، دو فرزند به نام های «میرلا» و «ریکاردو» متولد می شوند. «میرلا» دختری جوان با آرزوی بلند و دانشجوی حقوق است. وی سری نترس دارد. «ریکاردو» دانشجویست. والریا به سبب ضعف اقتصادی و برای تأمین معاش خانواده منشی شرکتی می شود. نویسنده از زبان والریا و در قالب خاطراتش، دلباختگی وی و آقای رئیس، نگرانی در مورد آینده فرزندانش، ترس از کشف دفترچه و نمایان شدن روابط سرد راوی با میشل را آشکار می سازد. کشمکش های درونی زن با خودش و درگیری با رفتارهای اعضای خانواده و پدر و مادر زن نیز در رمان مشخص می شود. درخواست ها و توقعات بسیار زیاد، بی توجهی شوهرش میشل و فرزندانش و همچنین احساس تنهایی او را خسته کرده است. زن از تنهایی و فشارهای زندگی ابتدا به سمت رئیس گرایش پیدا می کند، اما در پایان رمان با سوزاندن دفترچه به شرایط قبلی زندگی خود برمی گردد.

۲- بحث

۲-۱- انواع سرمایه

۲-۱-۱- سرمایه اجتماعی

۲-۱-۱-۱- سرمایه اجتماعی مثبت/ایجابی زنان راوی

سرمایه اجتماعی «در سطح خرد، به افراد حاضر در شبکه اشاره دارد که بر اثر تعاملات بین فردی، شناخت حاصل شده و هویت اعضا شکل می گیرد. در سطح میانی، به اجتماعات، گروه ها و سازمان ها توجه می شود که باعث تقویت و ساخت بنیاد ارزشی و تعاملی گروه می شوند؛ و در نهایت، در سطح کلان، دربرگیرنده سازمان ها و گروه های مختلفی است که موجب شکل گیری و

تقویت مرادوات و ارتباطات جمعی گردیده.» (نوابخش و فائقی، ۱۳۹۳: ۵۵ و ۵۶). بر این اساس، می‌توان روابط خانوادگی را رابطه‌ای مبتنی بر سرمایه اجتماعی میانی دانست که هر فرد تلاش می‌کند با ایفای نقش خود، باعث تقویت و ساخت بنیاد ارزشی و تعاملی خانواده شود. اولین سرمایه «راویان زن» در فضای بعد از ازدواج، سرمایه مهم و تأثیرگذار «اجتماعی» آن‌هاست؛ و آن «همسری» و «مادر شدن» و کسب سرمایه اجتماعی «خانواده» در شکلی دیگر است.

۲-۱-۱-۲- سرمایه اجتماعی منفی/سلبی

راویان زن با عادت‌واره‌هایی همچون ترس و انزوا که برگرفته از دوران کودکی و محیط اجتماعی است، وارد زندگی زناشویی می‌شوند. در میدان اجتماعی پس از ازدواج، سخنان و رفتار کنایه‌آمیز و خشونت‌بار شوهران در هر دو داستان، سرمایه اجتماعی و هویت همسری را که باید در خانواده به عالی‌ترین سرمایه بدل شود، بازتولید منفی می‌کند.

دو زن با عدم درک از طرف همسر و فرزندان، دلزده می‌شوند. در رمان «پرنده من» با توجه به کارکرد نزولی سرمایه همسری و اجتماعی امیر، «راوی» تنهاست: «مجبورم توی آن خانه تنها بمانم. با بچه‌هایی که از هیچ چیز خبر ندارند. فقط شیر می‌خواهند، غذا می‌خواهند» (وفی، ۱۳۸۱: ۹۶ - ۹۵). در نبود امیر زن راوی مسئول دو فرزندش است و سرمایه اجتماعی جدید یعنی «زندگی پس از ازدواج» برای او به سرمایه‌ای منفی و توأم با دغدغه بدل می‌شود. «کنار امیر دراز می‌کشم. حالا نه برایش زنم، نه مادر، نه خواهر. هیچ ربطی به هم نداریم.» (همان: ۹۸). راوی «پرنده من»، در موقعیت‌های گوناگون، از گذشته خود نیز سخن می‌گوید. ذائقه او توسط طبقه اجتماعی و خانواده‌ای که در آن زندگی می‌کرده، ایجاد شده است. در میدان اجتماعی نخست، راوی همواره نقش کارآموز را داشته است؛ یعنی خاله محبوب از نحوه تربیت شدن راوی راضی نیست و سعی می‌کند او را طبق میل خود تربیت کند. در این رابطه، راوی هیچ کنش و کنشگری ویژه‌ای ندارد. «خاله محبوب بچه نداشت. بعضی وقت‌ها در زندگی‌اش یک بچه لازم داشت برای همین یکی از ماها را از مامان قرض می‌گرفت. ... خاله محبوب قبل از هر کاری مرا به حمام می‌برد ... و می‌گفت مادرت شلخته است. در عرض چند ساعت آن قدر عوض می‌شدم که نمی‌دانستم با هویت جدیدم چه کنم. خاله هم همین را می‌خواست. می‌خواست از رفتارهای قبلی پاک بشوم تا بتواند جوری که دوست دارد تربیت کند» (همان: ۳۳).

در میدان اجتماعی دوم، (پس از ازدواج) راوی خانه‌دار و زنی سستی است. از این رو، پیوندهای اجتماعی او بیش از همه با همسرش امیر است. بعد از امیر، با مادر، دو خواهرش -

شهلا و مهین- و خاله محبوب در ارتباط است. «حالا توی خانه هستم. به خودم می گویم آن قدر توی این خانه می مانم که بچه ها بزرگ شوند... انگار تنها امشب قادر هستم مزخرفاتی مانند زندگی مشترک و کانون گرم خانه و کوفت و زهرمار را دور بریزم و تعریف های خودم را اختراع کنم» (همان: ۱۱۵).

در «دفترچه ممنوع» والریا کارمند است و در دو شیفت هم در اداره و هم در منزل کار می کند. رابطه اجتماعی محدود والریا که زنی سنتی است با خانواده و عدم دسترسی وی به عاملان در میدان های دیگر، سبب شده است که به گفته دخترش درک درست و به روز از عادت ها و رسوم اجتماعی نداشته باشد: «میرلا معذرت خواست و گفت قصدش این نبوده که مرا برنجاند ولی بالأخره ما سالها است با کسی معاشرت نمی کنیم و همه چیز تغییر کرده، حالا دیگر کسی چای نمی خورد، بلکه به جای آن کوکتیل پارتی می دهند» (دسس پدس، ۱۳۹۷: ۸۴). از نظر سرمایه اجتماعی، در فضای خانواده، ارتباط والریا با مادر و دخترش نیز رابطه اجتماعی اثرگذاری به شمار نمی آید؛ آن ها دنیای متفاوتی دارند و یکدیگر را درک نمی کنند. «نه با مادرم می توانم این افکار آشفته را در میان گذارم و نه با دخترم، چون هیچ کدام چیزی نخواهند فهمید، به دو دنیای مختلف تعلق دارند» (همان: ۳۳۴).

والریای شاغل با کسی غیر از رئیس شرکتش روابط اجتماعی ندارد. اما این رابطه، احساسی می شود و رابطه اجتماعی صرفی به شمار نمی آید. صحبت های آنها، در شرکت اتفاق می افتد و اگر به میدان اجتماعی کشیده شود، والریا احساس شرم و گناه می کند: «سر میز کافه نشسته بود، همان طور که به طرف او می رفتم به نظرم می رسید تصویرم در همه آینه ها منعکس شده و همه چراغ ها و نگاه ها به روی من دوخته شده است» (همان: ۲۲۵). ارتباط وی با رئیس اداره نیز منجر به عذاب وجدانش می شود و احساس ترس دوچندان را برایش به وجود می آورد. «باید دفترچه را از بین ببرم باید شیطانی را که لابه لای صفحات آن و بین ساعات زندگی پنهان شده است از میان ببرم» (همان: ۳۵۰) و ناچار این ارتباط را که سرمایه اجتماعی متأخری است، رها می کند. والریا با توجه به عادت واره ها به حالت انفعالی سابق برمی گردد و تسلیم شرایط موجود؛ بی مهری همسر و فرزندان می شود. در نتیجه در مقام مادری، همسری و کارمندی سرمایه اجتماعی چشمگیری عایدش نمی شود. «این آخرین صفحه است. دیگر در آن چیزی نخواهم نوشت، و روزهای آینده همچون این صفحه های سفید آرام و سرد خواهند بود، تا روزی به سنگ صاف و بزرگی، یکبار دیگر مرا والریا خواهند خواند» (همان: ۳۵۱).

از نظر کمیت، سرمایه اجتماعی و فرهنگی راویان در موقعیت زمانی میدان پس از ازدواج و میدان پیش از ازدواج یکی است. بر طبق نظر بوردیو، سرمایه‌ها بر یکدیگر تاثیر متقابل دارند، یعنی افزایش و کاهش سرمایه اجتماعی بر سلبی و ایجابی کردن سرمایه فرهنگی نیز مؤثر است. در دو رمان حاضر، «زنان محروم از سرمایه فرهنگی نهادینه هستند. برآیند این ضعف ظهور زنانی عقب‌مانده و گرفتار در پیله سنت است» (یاوری، رضایی و ضیایی، ۱۴۰۰: ۴۲). بدین ترتیب پیوندها و سرمایه‌های فرهنگی و به‌دنبال آن سرمایه‌های اجتماعی منفی و عادت‌واره‌هایی همچون انزوا در زنان راوی باعث گسست شبکه اجتماعی و روابط آن‌ها با خانواده و دوستانشان می‌شود. با توجه به منش و خصلت‌های دو راوی در میدان اجتماعی، بازتولید سرمایه «همسری» نیز در روابط اجتماعی آن دو ناکارآمد و سلبی است.

۲-۱-۲- سرمایه اقتصادی

از دیدگاه بوردیو سرمایه اقتصادی حالت بنیادی دارد به طوری که بر سطح سایر سرمایه‌ها نیز مؤثر واقع می‌شود» (گرنفل، ۱۳۸۹: ۳۳۳) و در موارد زیادی منجر به سلطه می‌شود. سلطه امیر بر راوی «پرنده من» به دلیل وابستگی اقتصادی هویدا است: «امیر می‌گوید به ما، به این زندگی زنجیر شده است. تا کی؟ تا آخر عمر. امیر پول می‌آورد و ما خرج می‌کنیم. می‌گویم: می‌روم کار می‌کنم... تو اگر می‌توانی بچه‌هایت را خوب تربیت کن!» (وفی، ۱۳۸۱: ۴۸).

به عقیده بوردیو «نیروی خصلت موجب می‌شود که زنان بیشتر بار کار خانگی را به دوش بکشند و عهده‌دار مشاغل خاصی گردند. مشاغلی که وقتی به زن‌ها سپرده می‌شود از ارزش می‌افتند. زنان به‌ندرت به مدارج عالی تحصیلی و مشاغل پرحیثیت اجتماعی راه می‌یابند» (شویره و فونتین، ۱۳۸۵: ۲۹-۳۰) پس والریا منشی اداره می‌شود. سرمایه اقتصادی متقدم والریا در نازل‌ترین سطح خود قرار دارد با اینکه وی منشی و حقوق‌بگیر است اما هیچ پس‌انداز یا مایملکی ندارد که به نفع سرمایه‌های اقتصادی بیشتر و ایجابی کردن این سرمایه پیش رود. «می‌دیدم دیگر در این خانه یک گوشه تنها، حتی یک کتو ندارم که مال خوردم باشد» (دسس‌پدس، ۱۳۹۷: ۸).

والریا در میدان (پس از ازدواج) علاوه بر کارمندی شغل خانه‌داری را نیز بر عهده دارد و از گرفتن پرستار برای کودکانش به نفع سرمایه‌های اقتصادی خانواده چشم‌پوشی می‌کند و عادت‌واره قناعت که باید در جهت بازتولید مثبت پیش برود، به صورت تسلیم در برابر شرایط سخت و طاقت‌فرسا شکلی منفی به خود می‌گیرد. «اغلب از کار زیاد خانه و از اینکه اسیر خانواده‌ام، از اینکه هرگز وقت ندارم مثلاً یک کتاب بخوانم، شکایت می‌کنم» (همان: ۲۸). از آنجا که سرمایه‌ها

بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند، سلبی شدن سرمایه اقتصادی و بعد از آن سرمایه اجتماعی در زنان منجر به سلبی شدن سرمایه فرهنگی می‌شود و به طور مستقیم بر عادت‌واره‌ها نیز مؤثر است.

۲-۱-۳- سرمایه نمادین

سرمایه نمادین، «به هر گونه دارایی اطلاق می‌شود (به هر نوع سرمایه اعم از: طبیعی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی) هنگامی که این دارایی به وسیله آن دسته از اعضای اجتماع درک شود که مقوله فاهمه آنان چنان است که آنان را قادر می‌سازد که این دارایی را بشناسند (یعنی آن را ببینند) و به رسمیت بشناسند (یعنی برای آن ارزش قائل شوند)» (بورديو، ۱۳۹۶: ۱۵۴).

سرمایه نمادین برخاسته از شأن و موقعیت فرد است و موجب می‌شود، فرد بر دیگران اثرگذار باشد و به نیکنامی و شهرت برسد. یک نوع از سرمایه‌های نمادین موقت، برای راوی «پرنده من» در دوران بارداری است، یعنی؛ مشروعیت و درک راوی در زمان بارداری و احترام به وی از طرف عاملان اجتماعی دیگر. «شوهردار هم که شدی تمام دنیا قبل از هر کاری یک عدد ساعت گنده به دیوار اتاق خوابت آویزان می‌کنند و برای شنیدن اولین خبر لحظه‌شماری می‌کنند. بعد یکی آش آلو برایت می‌پزد و یکی لواشک ترش برایت می‌خرد. توی اتوبوس یکی بلند می‌شود و جایش را به تو می‌دهد» (وفی، ۱۳۸۱: ۷۶-۷۵). بر اساس این باور، بچه‌دار شدن، نشانه کامل بودن زن است و سبب می‌شود که مادری زن که سرمایه اجتماعی موثری است و بازتولید مثبت دارد، به کمال برسد. «اگر بچه‌ات بمیرد چه؟ بعد بچه دوم را حامله می‌شوی و این جور است که می‌شوی یک مادر کامل» (همان: ۷۷-۷۶). فرزندآوری و تولید مثل اگرچه سرمایه اجتماعی بزرگی است و عالی‌ترین مکان نمونه انباشت سرمایه اجتماعی، خانواده است؛ اما برای راوی سرمایه نمادین پایداری نیست. راوی بعد از وضع حمل به دست فراموشی سپرده می‌شود و با دو فرزند کوچکش تنها و بدون یاریگری باقی می‌ماند.

والریا وظیفه خود می‌داند که مسئول کارها و خدمت‌رسانی به اعضای خانواده باشد، ولی اعضای خانواده، برای مهربانی‌ها و محبت‌های بیش از حد توانش اهمیت و ارجحی قائل نیستند؛ یعنی تنها در مواقعی به جایگاه او توجه می‌شود که مسئولیتی در میان است. بنابراین، سرمایه نمادین او در نازلترین سطح قرار می‌گیرد. «هر وقت از شغلم صحبت می‌کنم او {میش} گوش نمی‌کند. گمان می‌کنم حتی نداند من چه کار می‌کنم. (دسس‌پدس، ۱۳۹۷: ۱۰۶) والریا نگران است اندک سرمایه نمادین متقدم وفاداری و فداکاری مادرانه و همسرانه را، نزد خانواده از دست بدهد؛ بنابراین ترس و نگرانی ره‌ایش نمی‌کند.

«گه‌گاه اتفاق می‌افتد قبل از اینکه میشل و بچه‌ها برای شام به خانه بیایند نیم‌ساعتی چرت بزنم و یا در راه اداره تا خانه ویتترین‌های مغازه‌ها را تماشا کنم هرگز چیزی به آن‌ها نمی‌گویم. می‌ترسم... آن‌وقت دیگر آن شهرت را که من همه‌وقت را صرف خانواده می‌کنم از دست بدهم» (همان: ۲۹). با توسل به دیدگاه بوردیو و از آنجا که سرمایه‌ها بر هم مؤثرند، «زنان این دو داستان، در رده‌ی مادر بچه‌ها و زنان خانه‌دار باقی می‌مانند. زیرا از سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه‌ای که آن‌ها را قدرتمند سازد، بهره‌مند نیستند. بنابراین قدرت همچنان در دست مردان که در رده‌های بالای قدرت قرار گرفته‌اند باقی می‌ماند» (یاوری، رضایی و ضیایی، ۱۴۰۰: ۴۲). در بررسی سرمایه‌های نمادین، روایان زن افتخار و پرستیژ نمادینی را که هر زنی بعد از ازدواج در فضای اجتماعی و فرهنگی و در مقام مادری و همسری به دست می‌آورد؛ در میان اعضای خانواده و دیگران نداشتند.

۲-۲- عادت‌واره‌ها

۲-۲-۱- عادت‌واره‌های راوی «پرنده من»

۲-۲-۱-۱- مادرانگی، قناعت، انفعال و تسلیم‌شدن

مادرانگی و مسئولیت دو کودک در بود و نبود شوهر بر عهده‌ی زن راوی است. «این دو تا بچه مال من هستند» (وفی، ۱۳۸۱: ۱۱۵). او فقط خودش مسئول دو فرزندش است و امیر مسئولیتی به دوش نمی‌گیرد. محیط اجتماعی پس از ازدواج، عادت‌واره‌ی قناعت را نیز در شخصیت زن راوی درونی کرده است. بعد از سال‌ها زن و شوهر با مشقت صاحب‌خانه‌ای ۵۰ متری در پایین شهر شده‌اند. قناعت اگرچه عادت‌واره‌ای مثبت قلمداد می‌شود اما در شرایط زن راوی بازتولید منفی دارد. راوی به سبب ذائقه‌ی تازه کسب کرده به سرمایه‌ی اندک اقتصادی (آپارتمان ۵۰ متری) دلخوش است و همسرش امیر درصدد فروش خانه برمی‌آید و به اختلاف نظرهای او با امیر و کاهش سرمایه اجتماعی همسری منجر می‌شود. «امیر به طرف آینده می‌رود. عاشق آینده است. گذشته را دوست ندارد، ... گذشته‌ای که پر از پچ‌پچه و حرف‌های درگوشی و خاله‌بازی است. گذشته‌ای که به زیرزمین‌های تاریک و پستوها منتهی می‌شود. امیر حاضر نیست حتی یک قدم با من به عقب برگردد» (همان: ۱۵). عادت‌واره‌ی قناعت به واسطه‌ی قرار گرفتن در موقعیت‌های جدید همچون فقر سرمایه اقتصادی و فرهنگی در شخصیت زن راوی درونی می‌شود. راوی از سر ناچاری تصمیم می‌گیرد به دارایی اندکشان قانع باشد و خانه را دوست بدارد. «به این خانه که آمدیم تصمیم گرفتم این جا را دوست داشته باشم. بدون این تصمیم، ممکن بود دوست داشتن هیچ وقت به

سراغم نیاید» (همان: ۷) منش ماجراجویانه امیر نیز، به شکلی خودخواهانه در شکل عادت واره تولیدی وی پدیدار می‌گردد و در تقابل یا عادت واره‌های زن راوی به کشمکش می‌انجامد. انفعال و تسلیم‌شدن، منش دیگر راوی است. راوی دیدگاهی متفاوتی با همسرش دارد، اما اغلب موارد نظر همسرش را می‌پذیرد... خانه جدید و حس آزادی در آن از مسائل مطرح شده راوی و امیر است. زن در این خانه -در قیاس با خانه‌های استیجاری پیشین- حس آزادی می‌کند. «حالا آزادیم اثاثمان را بدون ترس از در و دیوار خوردن، جابجا کنیم. بچه‌ها آزادند با صدای بلند حرف بزنند. بازی کنند... احساس آزادی می‌کنم و از آن حرف می‌زنم ولی امیر اجازه نمی‌دهد کلمه به این مهمی را در مورد چنین حس‌های کوچک و ناچیزی به کار برم» (همان: ۱۰). بروز حس آزادی در زندگی زن راوی بازتولید مثبتی در جهت صعودی سرمایه اجتماعی وی ندارد و در نهایت انفعال و تسلیم زن نمایان می‌شود.

۲-۱-۲-۲- سکوت و توداری؛ عادت واره بارز زن راوی

در فرهنگ مردسالارانه (عمو غدیر و پدر) و به همدستی عوامل اجتماعی زن (مادر و خاله) توداری و سکوت برای زن راوی نوعی ارزش قلمداد می‌شود. طبق نظریه بوردیو، سرمایه‌هایی نمادین است که مشروعیت، بزرگی و تحسین را برای او به ارمغان آورده است: «سکوت من اولین دارای‌ام به حساب می‌آمد. یک روز آقاجان مرا به زیرزمین برد و پرسید: «دیروز با خاله محبوب کجا رفته بودید؟» لال شدم نه از سر غریزه که از سر ترس. ... آقاجان مشکوک نگاهم کرد ... پاداشی که یک ساعت بعد از لحن نرم مادرم گرفتم کلید شدن ساده و بز دلانه دندان‌هایم را به سکوت معنی‌دار و پر از دانایی بدل کرد. در طول سال‌هایی که بعد از آن آمد، بارها مورد تحسین زن‌های خانواده امان قرار گرفتم به خاطر توداری‌ام. به خاطر رازداری‌ام» (همان: ۲۶)

«عادت واره نه تنها پیوندی بین گذشته، حال و آینده ایجاد می‌کند، بلکه عامل پیوند بین فرد و اجتماع، عینیت و ذهنیت، و ساختار و عاملیت است.» (گرنفل، ۱۳۸۹: ۱۰۸) راوی منفعلانه رفتار می‌کند و در زمانهای اندک و به اجبار همسرش، توداری و سکوت را زیر پا می‌نهد. «از خانه آقاجان که به خانه امیر آمدم نقش صندوقچه‌ای‌ام کاربرد نداشت. امیر از سکوت‌های من کلافه می‌شد. می‌خواست حرف بزنم... سکوت من او را می‌ترساند. کم کم عادت به پرحرفی پیدا کردم. سال‌ها بعد یاد گرفتم که حرف می‌تواند حتی مخفی‌گامی بهتر از سکوت باشد. ولی با وجود سال‌ها تمرین و گفتگوی درونی هیچگاه به‌طور کامل به بیرون منتقل نشد. هنوز هم آدم کم‌حرفی به حساب می‌آیم» (وفی، ۱۳۸۱: ۲۷). در موقعیت و میدان جدید و پس از ازدواج نیز تغییر

اساسی‌ای در عادت‌واره سکوت زن راوی رخ نمی‌دهد. یعنی امیر اگر چه تلاش می‌کند، ولی موفق به تغییر او نمی‌شود؛ چرا که تغییری در نوع سرمایه‌ها، یا حداقل کمیّت و کیفیت آن‌ها به وجود نیامده است.

۲-۱-۳ انزوا و ترس

کنش‌های دوران کودکی راوی بیش از تمام دوران زندگی وی نقش تعیین‌کنندگی دارند. به گونه‌ای که خصلت صندوقچه بودن و پنهان‌کاری، باعث می‌شود که وی از ارتباط با آدم‌ها و روابط گسترده‌عاملان که نوعی سرمایه اجتماعی است، بترسد و بخواهد پنهان بماند. این نوع از انزوا، تأثیری سلبی بر شخصیتش می‌گذارد و روندی نزولی را طی می‌کند. افزون بر آن، سبب گم‌گشتگی او نیز می‌شود. «من می‌ترسیدم از تاریکی، از زیرزمین، از سایه‌ها. از عمو غدیر و حتی از مامان و خاله محبوب هم. برای همین صدایم در نمی‌آمد. صد جور بازی درمی‌آوردم که دیده نشوم. یواش یواش از چشم خودم هم پنهان شدم و یک روز مجبور شدم از خود بپرسم که کی هستم. با این گم‌گشتگی بزرگ شدم. گم‌گشتگی عمیقی که پیداشدنی در کار نبود. امیدش هم نبود» (همان: ۴۶). بی‌نام بودن زن راوی نیز از عناصر نشانه - معناشناسی است. او با این ویژگی‌های سرمایه‌ای سلبی و ناکارآمد، به «فضای اجتماعی دوم» یا «موقعیت و میدان دوم» یعنی «خانه شوهر» پا می‌گذارد.

این منش، زن را به ابژه‌بودگی می‌کشاند و پویایی و ماجراجویی را از رفتار او محو می‌کند. بسیاری از فمینیست‌ها به مسأله ابژه بودن زنان در فرهنگ و ادبیات مردسالار اشاره کرده‌اند و رابطه سوژه و ابژه را -که بر اساس حس تصاحب و مالک‌بودگی سوژه است- نقد نموده‌اند (Seller, ۱۹۹۱: ۱۱۳)؛ واضح است این منش، عادت‌واره‌هایی منفی را در رفتار زن شکل می‌دهد و سبب می‌شود که در جامعه و خانواده شخصیتی وابسته داشته باشد و معنایش را همواره در دیگران بجوید. وی در سخن گفتن نیز به دنبال همان کارکرد سکوت و پنهان شدن است. درواقع، «عادت‌واره ثابت نیست، بلکه مدام در حال تحول است. این ساختارها ماندگار و قابل تبدیل و تغییر هستند، اما ثابت نیستند» (گرنفل، ۱۳۸۹: ۱۰۸) این نشان می‌دهد گرچه عادت‌واره تغییر می‌کند، اما سرمایه‌های نمادین و اجتماعی در زندگی او تغییر چندانی نمی‌کند؛ زیرا او هم‌چنان دنبال پنهان شدن است و نه آشکارشدن.

۲-۲-۱-۴ تسلیم و انفعال / روابط سلطه و دیگر بودگی شوهر

راوی در میدان اقتصادی زیر سلطه امیر است و تسلط، فضا را علیه او تغییر می‌دهد: «امیر جلوی آشپزخانه ایستاده و شبیه جنگجویی شده است که باور نمی‌کند حریش بی صدا راهش را بکشد و میدان را ترک کند» (وفی، ۱۳۸۱: ۱۴۰). خشونت زیرمجموعه سرمایه‌های اجتماعی سلبی است. امیر «وقتی از من سیر می‌شود مرد مجردی می‌شود که به اشتباه در خانه شلوغی مهمان است» (همان: ۶۰). وی دیگری شوهرش محسوب می‌شود. «ایجاد اجتماع مردیت و زنیت تفاوت‌های زیستی را به عنوان اصل طبیعی جا می‌اندازد و تفسیر می‌کند و هر یک از دو جنس با برقراری روابط سلطه استثماری، خصلت‌هایی برای خود می‌یابد... زن‌ها به طور ناخودآگاه با عملیات تبعیت، زبان نرم و صیقل خورده، رفتارهای فریبنده یا تملکی به تسلط مردان میدان می‌دهند» (شویره و فونتن، ۱۳۸۵: ۲۹). راوی نیز با سکوتش امکان بهره‌مندی از این سرمایه منفی را به امیر می‌دهد.

سلطه منجر به بازتولید سرمایه‌های منفی و در نتیجه ایجاد عادت‌واره‌هایی همچون سکوت می‌شود. دیگران نیز خواسته‌ای جز همین گرایش به سکوت را از وی ندارند و این کنش به منشی درونی تبدیل می‌شود. رفتار اطرافیان، تمام سرمایه‌های لازم را که می‌توانست به عنوان پشتوانه با خود تا فضای اجتماعی دوم یعنی خانه شوهر ببرد، از راوی سلب می‌کند.

۲-۲-۲-۲ عادت‌واره‌های والریا

والریا در جامعه‌ای سنتی که ارزش‌های مردسالاری را در وجودش درونی کرده، پرورش یافته است. شری آرترن استدلال می‌کند: «مقام ثانوی زن در جامعه یک قاعده عام جهانی، واقعیتی مربوط به فرهنگ‌ها است» (فریدمن، ۱۳۸۱: ۲۰-۱۹). در این دوگانه فرادست و فرودست، ویژگی‌های مثبت و شایسته همواره از آن مردان بوده و ویژگی‌های منفی و ناروا سهم زنان بوده است؛ مثلاً مردان همیشه با خرد، استقلال، خودمختاری، آزادی، حضور، روشنی و خیر شناخته می‌شدند و زنان با ویژگی‌هایی چون: عاطفه، غیریت، وابستگی، عدم اختیار، قید و بند، غیبت (در مقابل حضور)، تاریکی و شر معرفی می‌شدند (رک: بیسلی، ۱۳۸۵: ۳۳). عادت‌واره‌های والریا عبارتند از: دسته اول، خصلت‌های مثبتی همچون: مادرانگی، ایثار، مهربانی، فداکاری، عفت و

احساس مسئولیت. دسته دوم، خصلت‌های منفی‌ای همچون: خمودی، ترس، شرم (در معنای منفی و ضعف) و احساس حقارت است.

۲-۲-۱- مادرانگی

در دوگانه طبیعت و فرهنگ، زنان همخوان با طبیعت فرض می‌شدند و فرهنگ را به مردان منتسب می‌کردند. از همین رو، نقش‌های سیاسی، اداری، اجتماعی و اقتصادی که کنش‌هایی فرهنگی‌اند، به مردان محوّل می‌شده است. در مقابل جایگاه‌های عمومی قدرتمند را به زنان نمی‌دادند، بلکه ایشان را مسئول نقش‌هایی در خانه می‌انگاشتند (رک: فریدمن، ۱۳۸۱: ۲۰-۱۹). همسر والریا (به همدستی خود والریا) جایگاه قدرتمند اجتماعی و موقعیتی برایش قائل نیست. «امشب هم بیدار مانده‌ام تا هدایای بچه‌ها را بسته بندی کنم» (دسس‌پدس، ۱۳۹۷: ۴۲). والریا برای کمک به همسرش پیشنهاد می‌دهد که از کودکان مراقبت کند و پرستار را مرخص کند. «یاد روزی افتادم که به میشل گفته بودم می‌توانم بدون پرستار هم کارهای بچه‌ها را بکنم. و او فوراً قبول کرد و گفت: حالا دیگر بچه‌ها بزرگ شده‌اند (۵ و ۶ ساله بودند)» (همان: ۲۵).

میشل در بزرگ‌کردن بچه‌ها و کارهای منزل هیچ نقشی ندارد و مسئولیت دو کودک همچون کودکان راوی پرنده من بر عهده والریاست. صفاتی همچون (صبر، ایثار، مهربانی و ...) بخشی از مفهوم مادری است. والریا مصداق عینی این نگرش و خسته از توقعات گاه و بیگاه و کوچک و بزرگ خانواده خود است. «اغلب به من می‌گویند باید استراحت کنی. انگار من خودم میلی ندارم استراحت کنم! ولی بعد بلافاصله تا ببینند که در مبلی نشسته و مجله‌ای می‌خوانم می‌گویند: «ماما، حالا که دیگر کار نداری ممکن است آسترکت مرا که شکافته بدوزی؟ ممکن است شلوار مرا اتو کنی؟ و بدین ترتیب خود من هم باور کرده‌ام که باید این‌طور زندگی کنم» (دسس‌پدس، ۱۳۹۷: ۲۹). یعنی ارائه خدماتی همیشگی و بی‌دریغ به دیگران بدون درخواست دستمزد. «اگر گاهی بگویم حال خوب نیست میشل و بچه‌ها سکوت می‌کنند، من هم از جایم بلند می‌شوم و آنچه را که باید انجام دهم می‌کنم. هیچکس برای کمک به من از جایش تکان نمی‌خورد» (همان، ۳۰).

کار والریا زیاد و طاقت‌فرساست، اما به سبب درونی بودن عادت‌واره ایثار و مادری قادر به اعتراض نیست. «باید ظرف‌های کثیف را می‌شستم و پیراهن‌های میشل را اطو کنم. گاهی در یک

بارزترین دوگانه‌های فرهنگ مردسالاری «من و دیگری» است؛ در این دوگانه مردان همواره من بوده‌اند و زنان دیگری مردان به‌شمار می‌آمده‌اند. سیمون دوبوآر رابطه سلسله مراتبی میان مردان و زنان را این‌گونه خلاصه می‌کند: «مرد سوژه است و کامل، زن دیگری است» در این متن و زمینه، زن بیش از آنکه جنس دوم باشد «غیرمرد» است» (بیسلی، ۱۳۸۵: ۳۱). والریا نیز پذیرفته است که زن، دیگری مرد است و به دخترش که شغلی به دست آورده است، می‌گوید: «نمی‌دانم، ولی عجیب است که فقط تو می‌توانی این کارهای مهم را انجام دهی، در حالی که این همه مرد تحصیل کرده و لیسانسیه وجود دارند» (دسس پدس، ۱۳۹۷: ۱۴۰). مخاطب وی همه زنان هستند نه تنها دخترش. دسته ای از عادت‌واره‌ها در روابط سلطه، جنسیت، قدرت و در فرهنگ مردسالاری شکل می‌گیرد. به طور کل، زنان در تاریخ مردسالاری به ضعف نسبت داده شده‌اند و این مسئله زنان را در دنیای واقع، بی‌قدرت می‌سازد (۸۸: Tyson, ۲۰۰۶). این دیدگاه در شخصیت والریا هویداست.

والریا هویتی ندارد و هیچ‌گاه برای خود زندگی و کار نمی‌کند، بلکه همواره در پی تکمیل دیگران است. (ر.ک: دسس پدس، ۱۳۹۷: ۲۹). در نظر او، خویشتن او تصویری است که همسرش میشل از او دارد. اگر میشل او را خوب ببیند، او قطعاً اینچنین است و اگر او را ناکامل بداند، مسلماً کامل نیست. والریا در خانه هیچ فردیتی ندارد؛ در بحث سرمایه اقتصادی، او حتی مالک شی‌ای کوچک در خانه نیست، نه چمدانی دارد و نه حتی کشویی که از آن او باشد (ر.ک: همان، ۲۶۴).

او نمی‌تواند دمی تنها باشد و گاهی خود را به خواب می‌زند، تا بتواند زمانی را به خویشتن اختصاص دهد «گاهی اوقات احتیاج دارم تنها باشم ولی جرأت نمی‌کنم این موضوع را به میشل گوشزد کنم، می‌ترسم ناراحت شود ولی آرزو دارم اطاق مخصوصی برای خود داشته باشم» (همان، ۹۰). والریا شنبه‌ها به شرکت پناه می‌برد و در آنجا با رئیس شرکت -که وضعی چون والریا دارد- هم‌صحبت می‌شود. مدت‌هاست که نامش را کسی صدا نزده است. در بعدازظهری، رئیس او را به اسم (والریا) صدا می‌زند. گویی شنیدن نامش هویت و تشخیص از دست رفته‌اش را بازمی‌گرداند: «او خیلی آهسته گفت: والریا. سکوت کردیم از شنیدن اسم خودم احساس خوشحالی می‌کردم» (همان، ۲۰۹).

تنها سرمایه فرهنگی والریا دفترچه ممنوعه است که با مخفی کردنش عادت‌واره پنهانکاری و ترس خود را می‌نمایاند. «اگر رئیس مرا بیشتر از ساعت‌های اداری نگاه دارد، دلم به شور می‌افتد که مبادا میشل زودتر از من به خانه برسد و ... به سراغ کشویی برود که مجلات و روزنامه‌های

قدیمی را در آن گذاشته‌ام و دفترچه‌ام را میان روزنامه‌ها و کاغذها پیدا کند» (همان، ۱۳). دفترچه نماد و نشانه‌ای از هویت گم‌شده زنانه اوست که در دنیای واقع انکار و واپس زده شده و به ناخودآگاه او راه یافته است. «هر بار که این دفترچه را باز می‌کنم چشمم به اسم خودم می‌افتد که صفحه اول آن نوشته‌ام» (همان، ۱۲). سایه در نظریه فریدت یونگ، بخشی از شخصیت فرد است «که وی ترجیح می‌دهد آن را آشکار نکند؛ بدین مفهوم که سایه، شامل بخش‌های تاریک، سازمان‌نیافته و سرکوب‌شده است» (پالمر، ۱۳۸۵: ۱۷۲-۱۷۳). دفترچه را می‌توان سایه‌های والریا دانست.

۲-۲-۲-۴ حس شرم و گناه

احساس شرم و گناه برگرفته از فرهنگ مردسالارانه زندگی قبل و بعد از ازدواج والریا و نگاه سستی خود اوست. با این دیدگاه زندگی والریا باید چنان باشد که «هیچ نیازی را برای خود در نظر نداشته باشد و کاملاً باید از خدمت‌رسانی به خانواده خرسند باشد» (همان) و کم‌کاری‌اش در این زمینه با احساس گناه همراه است. «ماما، تو خیال می‌کنی که برای یک زن اگر رضایت خاطری جز کار خانه و آشپزخانه وجود داشته باشد گناه است» (دسس پدس، ۱۳۹۷: ۱۵۹).

مردسالاری در گذر تاریخ چنان به زنان القا کرده که اگر در وظیفه دیگری بودگی‌شان برای مردان کم‌کاری کنند، گناهی مرتکب شده‌اند و باید به خاطر آن احساس شرم کنند. از همین‌روست که در تاریخ مردسالاری یکی از خصوصیات که به زنان نسبت داده می‌شده خجالتی بودن است (Abrams, ۱۹۹۹: ۸۹). این خصلت و عادت‌واره، تنها محدود به زمان هشیاری و بیداری نیست، والریا در خواب نیز در این اندیشه درست انجام ندادن کاری است. «آن وقت شب خواب می‌بینم که باید قبل از اینکه میشل به خانه برگردد تمام این کارها را انجام دهم. در نتیجه خواب نیز برایم تبدیل به کابوس وحشتناکی می‌شود» (دسس پدس، ۱۳۹۷: ۱۴۴). وی به دنبال احساس گناه و شرم، آرامش خود را از دست می‌دهد. «شب که می‌شد نمی‌توانستم بخوابم می‌ترسیدم میشل به طرفم بیاید و با وجود آنکه کار بدی نکرده‌ام، مرا سرزنش کند» (همان: ۹۸). خصلت‌ها و ذائقه والریا در میدان‌های مختلف اجتماعی، بیشتر او را به سمت تولید و بازتولید سلبی سرمایه‌ها و عادت‌واره‌ها سوق می‌دهد.

۳- نتیجه‌گیری

دو رمان «پرنده من» و «دفترچه ممنوع» از دیدگاه جامعه‌شناسیِ شخصیتِ زنانِ راوی و بر اساس سرمایه‌های بوردیو این ظرفیت را دارند که با تفسیر و تحلیل انواع سرمایه با محوریت عادت‌واره‌های راویان در دو میدان (قبل و بعد از ازدواج)، به تولید یا بازتولید عادت‌واره‌ها و سرمایه‌های سلبی یا ایجابی بپردازند. نمونه بارز و علمی این موضوع در نقد جامعه‌شناسانه سرمایه‌های زنانِ راوی این رمان‌ها مشخص است؛ که با بررسی آن به این نتیجه می‌رسیم که به دنبال ناکارآمد بودن فضاهای اجتماعی (قبل و بعد از ازدواج)، زنانِ راوی در به‌کارگیری سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین سیری منفی داشته‌اند. رفتار اطرافیان و پذیرش بی‌قید و هم‌دستی راویان زن، بخش اعظم سرمایه‌های لازم را که می‌توانست به‌عنوان پشتوانه تا فضای اجتماعی دوم یعنی خانه شوهر ببرند، از آن‌ها سلب می‌کند و سرمایه اجتماعی بزرگی که در دوران تأهلشان کسب می‌شود، هم به دلیل سلطه اجتماعی و هم به علت سلطه فردی همسران دو زنِ راوی به تولید و بازتولید سرمایه منفی اجتماعی می‌انجامد.

در فضای دوم (پس از ازدواج)، کنشگری زنان در نگهداری از بچه‌ها و امور منزل (به تنهایی) و کارهای اداری نازلی همچون منشیگری نمود می‌یابد. زنان به هم‌دستی عاملان اجتماعی مرد، با انفعال و سکوت، امکان بازتولید منفی انواع سرمایه و عادت‌واره‌ها را فراهم می‌کنند. راویان با توسل به عادت‌واره‌های منفی (تسلیم، پنهانکاری، ترس) و حتی عادت‌واره‌های مثبتی همچون (مادرانگی و مسئولیت‌پذیری، ایثار و قناعت) نقش فعال و کنشگری ویژه‌ای کسب نمی‌کنند و در مقابل همسرانشان و در ابعاد وسیع‌تر میدان‌های اجتماعی خانواده، محل کار و در جامعه با سیر نزولی سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و نمادین مغلوب می‌شوند. درنهایت در عادت‌واره درونی‌شده دو راوی تغییر چندانی ایجاد نشده است؛ و تنها سرمایه به‌دست‌آمده آن‌ها، عادت‌واره و سرمایه نمادینی همچون: وفاداری و مادرانگی است.

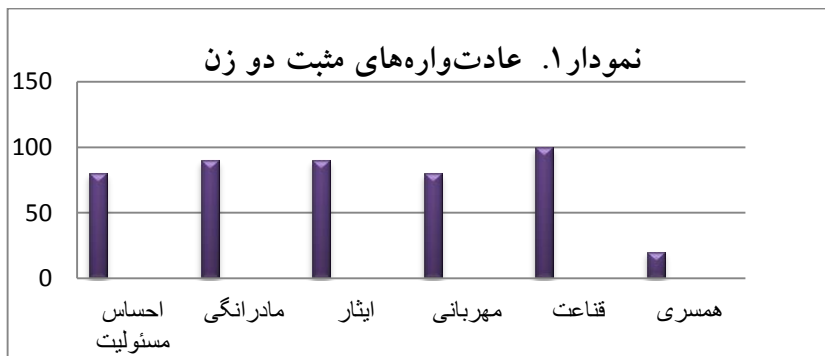
در میدان اقتصادی راوی «پرنده من» وابسته به همسر است. سکونت در محله‌ای شلوغ و پایین تأثیر مستقیم بر موقعیت اجتماعی و ارتباطات آن‌ها می‌گذارد و تنها سرمایه اقتصادی آن‌ها (خانه) به فروش می‌رسد. با نزول سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی، سلطه و خشونت مردانه امیر و

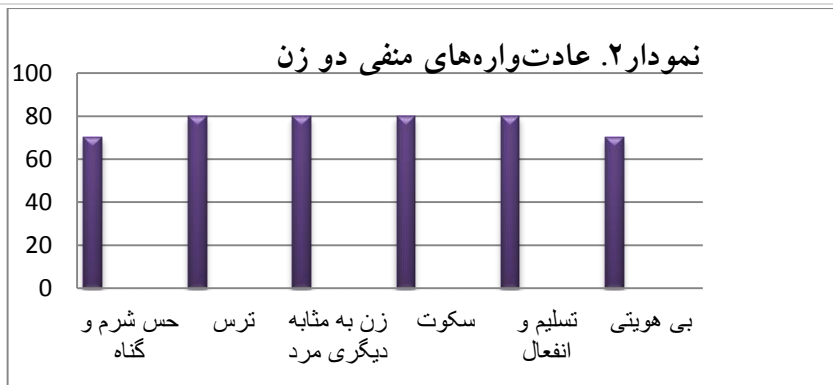
پدر راوی «پرنده من»، سرمایه نمادینی همچون پرستیژ و احترام در باور دیگران سلبی و منفی می شود و بازتولید مثبتی ندارد. راوی «دفترچه ممنوع» با وجود داشتن شغل، پس انداز و ملکی ندارد که منجر به تولید سرمایه اقتصادی ایجابی و در نهایت بازتولید دیگر سرمایه ها شود. راویان از سرمایه فرهنگی (تحصیلات دانشگاهی) برخوردار نیستند. سرمایه اجتماعی و ارتباطات زنان راوی نیز تنها در ارتباط با همسر و اعضای خانواده، آن هم به شکل کم رنگ نمایان است.

زن های راوی تنها از سرمایه اجتماعی مادری برخوردارند و این سرمایه نیز با توجه به قراین موجود در پژوهش، پررنگ و ایجابی نیست. عادت واره ها و خصلت های مشترک مثبت و منفی از دوران کودکی و پیش از ازدواج در زنان راوی به وجود آمده است و در میدان اجتماعی بعد از ازدواج نیز تأثیرگذار و سلبی است؛ یعنی در نهایت در شخصیت دو راوی تبدیل و بازآفرینی و زایش عادت واره های نوین مثبتی را باعث نمی شود.

جدول عادت واره های زنان راوی

عادت واره های مثبت / ایجابی	مادرانگی	ایثار	مهربانی	قناعت	همسری	احساس مسئولیت
عادت واره های منفی / سلبی	حس شرم و گناه	تسلیم و انفعال	سکوت	بی هویتی	ترس	زن به مثابه دیگری دیگری مرد





منابع

کتاب‌ها

- ۱- بوردیو، پی‌یر، (۱۳۹۷ الف)، تمایز: نقد اجتماعی و قضاوت‌های ذوقی، ترجمه محسن چاووشیان، چاپ پنجم، تهران: ثالث.
- ۲- _____، (۱۳۸۴ ب)، شکل‌های سرمایه در سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، افشین خاکباز و حسن پویان، به کوشش کیان تاج‌بخش، تهران: شیرازه.
- ۳- بوردیو، پی‌یر، (۱۳۹۶ ج)، نظریه کنش، سید مرتضی مردیها، چاپ پنجم، تهران: نقش و نگار.
- ۴- بون ویتز، پاتریس، (۱۳۹۱)، درس‌هایی از جامعه‌شناسی پی‌یر بوردیو، ترجمه جهانگیر جهانگیری و حسن پورسفیر، چاپ دوم، تهران: آگاه.
- ۵- بیسلی، کریس، (۱۳۸۵)، درآمدی بر نظریه فمینیستی؛ چستی فمینیسم، ترجمه محمدرضا زمردی، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- ۶- پالمر، مایکل، (۱۳۸۵)، فروید، یونگ و دین، ترجمه محمد دهگانپور و غلامرضا محمدی، تهران: رشد.
- ۷- جنکینز، ریچارد، (۱۳۸۵)، پی‌یر بوردیو، ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاووشیان، تهران: نی.
- ۸- دسس پدس، آلبا، (۱۳۹۷)، دفترچه ممنوع، ترجمه بهمن فرزانه. تهران: بدیهه.
- ۹- شامپاین، پاتریک، (۱۳۹۳)، پی‌یر بوردیو، ترجمه ناهید مؤید حکمت، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۰- شویره، کریستین و فونتن اولیویه، (۱۳۸۵)، واژگان بوردیو، زیر نظر ژان پی‌یر زرده، مرتضی کتبی، تهران: نی.
- ۱۱- فریدمن، جین، (۱۳۸۱)، فمینیسم، ترجمه فیروزه مهاجر. تهران: آشیان.

- ۱۲- فکوهی، ناصر، (۱۳۹۸)، تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، چاپ دوازدهم، تهران: نی.
- ۱۳- گرنفل، مایکل، (۱۳۸۹)، مفاهیم کلیدی پیر بوردیو، ترجمه محمد مهدی لیبی، تهران: نظر افکار.
- ۱۴- نوابخش، مهرداد، (۱۳۹۴)، درآمدی بر سرمایه اجتماعی، با رویکرد جامعه‌شناسی شهری، تهران: فرهنگ و تمدن.
- ۱۵- وفی، رویا، (۱۳۸۱)، پرندۀ من، تهران: مرکز.
- ۱۶- محسنی، منوچهر، (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی فرهنگی ایران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

لاتین:

- ۱- Abrams. M.H (۱۹۹۹). A Glossary of Literary Terms. Heinle&Heinle: New York.
- ۲- Sellers, susan (۱۹۹۱). Language and sexual difference; Feminist writing in France. New York: Library of congress Cataloging-in-Publication Data
- ۳- Tyson, Lous (۲۰۰۶). Critical theory today a user-friendly guide. New York: Routledge.

مقالات

- ۱- انصاری، منصور و طاهرخانی، فاطمه، (۱۳۸۹)، «بررسی نظریه زبان و قدرت نمادین پی‌یر بوردیو»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ۱، شماره ۳، تابستان ۸۶، صص ۶۵ - ۵۱.
- ۲- انوشیروانی، علیرضا، (۱۳۸۹)، «ضرورت ادبیات تطبیقی در ایران»، ادبیات تطبیقی، ویژه‌نامه نامه فرهنگستان (ادبیات تطبیقی)، شماره اول، بهار ۸۹.
- ۳- مقدس‌جعفری، محمدحسن و یعقوبی، علی و کاردوست، مژگان، (۱۳۸۶)، «بوردیو و جامعه‌شناسی ادبیات»، مجله ادب‌پژوهی، شماره ۲: ۹۲ - ۷۷.
- ۴- ممتاز، فریده، (۱۳۸۳)، «معرفی مفهوم طبقه از دیدگاه بوردیو»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۴۱ و ۴۲: ۱۶۰ - ۱۴۹.

- ۵- منیری، غفت‌السادات و حسینی، مریم، (۱۳۹۳)، «مفهوم هویت اجتماعی در آثار ناتالیا گینزبورگ و فریبا وفی»، مطالعات ادبیات تطبیقی، سال ۸، شماره ۳۲: ۱۵۲-۱۲۹.
- ۶- یاوری، سیده فاطمه. رضایی، رقیه و ضیایی، حسام، (۱۴۰۰)، «بررسی، تحلیل و مقایسه سرمایه‌های فرهنگی شخصیت‌های زن در داستان‌های جلال آل‌احمد و سیمین دانشور؛ بر اساس نظریه پی‌یر بوردیو»، جستارنامه ادبیات تطبیقی، سال ۵، شماره ۱۷: ۴۹-۲۸.